



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاکرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نمایر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: نشر روز تاپ تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir
تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۷ اذان مغرب ۱۸:۲۰ اذان صبح فردا ۴:۲۹ طلوع آفتاب ۵:۵۳

پنجشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۰ ۲۳ شوال ۱۴۳۲ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱ سال نهم شماره پیاپی ۱۳۵۰ شماره ۴۲۶ دوره جدید ۱۲ صفحه-۲۲ صفحه ضمیمه

آلبوم شجریان وارد بازار شد

ایلنا: بعد از سه سال انتظار، سرانجام آلبوم «مرغ خوشخوان» با صدای محمدرضا شجریان منتشر شد. مجید درخشانی (آهنگساز و سرپرست گروه موسیقی شهناز) با اعلام این خبر گفت: این اثر، بخش دوم کنسرت سه سال پیش است که در تالار وزارت کشور برگزار شد. بخش نخست این کنسرت در قالب آلبومی با عنوان «رنان مست» منتشر شد اما برای آلبوم دوم، یک‌سری مشکلات به وجود آمد و این اثر نزدیک به دو سال در وزارت ارشاد خاک خورد. قطعات این اثر در دستگاه شور ساخته شده است.



بیداد

کتاب زنده موسیقی ایران

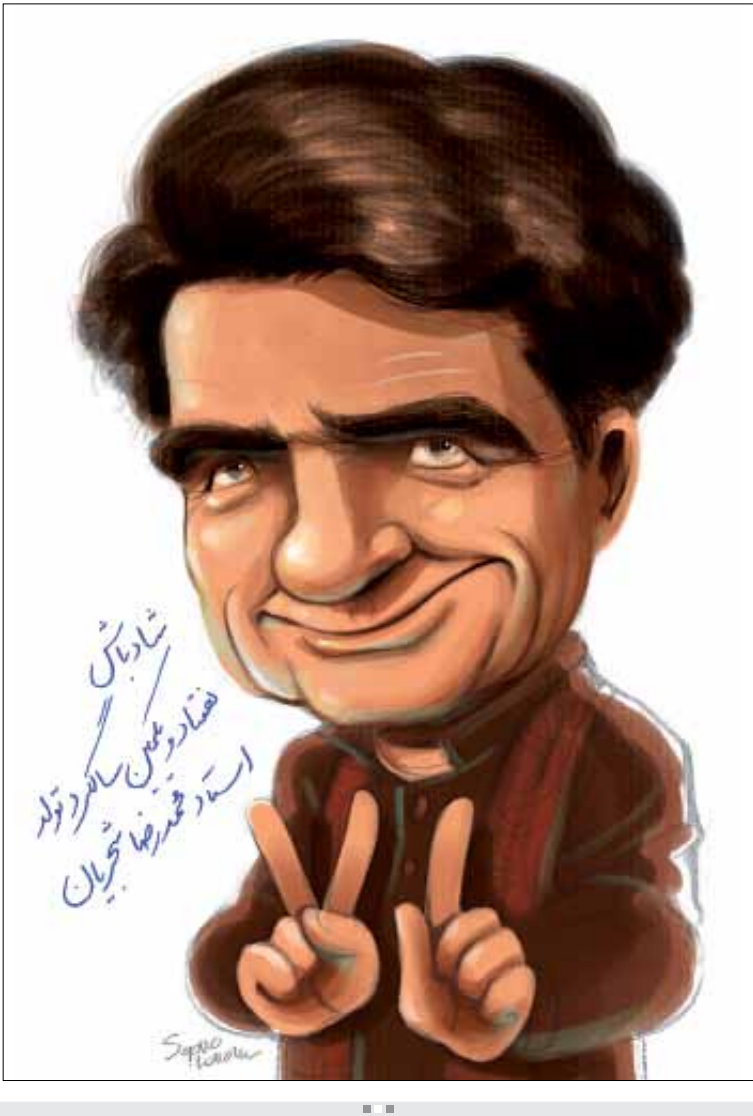
محمد شمس‌لنگرودی



ما در جوانی اعتقاد داشتیم که تاریخ، سازنده نهایی است و حضور هر کس در هر جا، نتیجه یک ناگزیری تاریخی است. گمان می‌کردیم به فلاّن شخصیت هنری یا علمی (هر کس) بها دادن بسیار امری ناموجه است چرا که معتقد بودیم اگر او نبوده، تاریخ حتما کس دیگری را با همان وظایف تاریخی خلق می‌کرد. بعدها بر اثر خواندن‌ها و تجربیات دیگر دانستیم شاید این اتفاق در حوزه علمی امری غیرممکن نباشد اما در حوزه هنر، شوخی کودکانی بیش نیست. یعنی اینکه شاملو، شاملو است و شجریان، شجریان! و هیچ شخص دیگری جای یک شخصیت هنری را پر نمی‌کند. بحث ارزش و کیفیت کار نیست، بحث منحصربه‌فرد بودن است. به نظر می‌رسد اگر انیشتین و هایزنبرگ در حوزه علمی نبودند پیشرفت تاریخ به مرحله نیازی می‌رسید که دانشمندان دیگری به موضوع نسبیت و عدم قطعیت می‌پرداختند، اما اگر چه زمینه‌ساز خلاقیات‌های هنری، امکانات اجتماعی و تاریخی است ولی برای آفرینش خلاقیات و منحصربه‌فرد بودن در هنر استعدادی لازم است که فرد هنرمند را حتی از هنرمند دیگر متمایز می‌کند. یعنی اگر چه برای پرورش بتهوون چنان محیطی نیازمند است اما در همان کشور بتهوون یگانه می‌شود. در ایران نیز دست‌کم بعد از مشروطیت در عرصه موسیقی سنتی، چه موافق آن نوع موسیقی باشیم یا نه! شاهد بودیم که کسان زیادی در این عرصه فعالیت داشتند اما بی‌گفت‌وگو در نزد همه اهل معرفت «محمدرضا شجریان» بود که جمع‌بند تمام دستوردهای موسیقی سنتی شد و به آن، اعتبار و اعتلایی بخشید. مهم نیست که ما موافق موسیقی سنتی باشیم یا نباشیم مهم آن است که آنچه که در دیدرس ماست، او در این عرصه منحصربه‌فرد است. به‌ویژه که در سال‌های اخیر نشان داد او حضوری زنده و فعال در زندگی روزمره نیز دارد و تپش‌های اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری صدای فرد بی‌تاثیر نیست. در حال حاضر او کاتب زنده موسیقی سنتی ایران است که به وجودش باید افتخار کرد.

کارتون خواب

سلمان طاهری
salmantaheri@gmail.com



کافه نظر

پاییز می‌آید با آواز و باران و شجریان

پوریا سوری: فردا زادروز خسرو خوبان آواز ایران «محمدرضا شجریان» است؛ برای نوشتن همین کلمات اندک که قرار است شادباشی باشد میلاد «استاد» را، کاغذ و خودکار مدام سر باز می‌زنند و کلمات در درگاه تخیل وامی‌مانند که چه بگویند تا سزاوار باشد و آنچه می‌نگارند عرق خجالت بر پیشانی‌شان نشاناند. محمدرضا شجریان یکی از کسانی است که دانسته «نسان‌دشواری وظیفه است» و حتی اکنون که هفتاد و یکمین بهارش در راه است هم بر همان سری است که می‌باید! احتیاط و مأل‌اندیشی در اندیشه و هنر او جایی ندارد و شاید از همین روست که ما امروز چون جان دوستش می‌داریم. سال‌ها پیش هوشنگ ابتهاج که عمرش دراز باد، خطاب به او نوشت «رفتی ای جان و ندانیم که جای تو کجاست/



مرغ شیخون کجایی و نوای تو کجاست... /زیر سرپنجه گرگیم و جگرها خون است‌ای شبان دل ما ناله نای تو کجاست» و شجریان شبان دل ما ماند و خواند و خواند... خواند... شما هم حتما آواز او را دوست می‌دارید، این‌طور نیست؟

جواد مجابی ◀ شاعر و نویسنده

من سال‌هاست روزانه بین یک تا سه ساعت موسیقی گوش می‌دهم و در این میان، گوش دادن به موسیقی محمدرضا شجریان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های روزانه‌ام است. شجریان مثل اعلای موسیقی کلاسیک ایرانی است که با دقت و وسواس تمام در این سال‌ها توانسته موسیقی ملی ایران را زنده و سرپا نگاه دارد. عمرش دراز و صدایش ماندگار باد.

منیژه حکمت ▶ کارگردان و تهیه‌کننده سینما

هر وقت خوشحالم، هم‌گین‌ام یا دل شکسته از روزگار فقط آواز استادشجریان است که می‌تواند چون آبی بر آتش بر تمام زخم‌های ما مرهم و انرژی‌های از دست رفته را زنده کند. مرهم زخم دل‌های ما از حنجره‌ای بیرون می‌آید که سبب‌سیدمهربانی و عشق و آرزوها در آن نهفته است، خواهان ماندگاری این صدا در سال‌های سال هستم.



تهمینه میلانی ▶ کارگردان سینما

مخاطب خاص موسیقی کلاسیک و اصیل ایرانی نیستم اما آثار آقای شجریان را دوست دارم. شخصیت هنری ایشان بسیار والا است و این نشأت گرفته از ارتباط هنری با مردم است. با او در چند مجلسی همراه بودم و برخوردشان را دیدم. می‌توان گفت آقای شجریان از نادر هنرمندان ستاره در ایران هستند که حریم و جایگاه خود را درست تشخیص داده‌اند و این امر هم از انرژی‌ای که از مردم ایشان می‌گیرند و احترامی که برای مردم قابل هستند پدیده آمده است. نکته دیگری که در مورد آقای شجریان می‌توان گفت این است که او همیشه عقاید خود را راحت بیان کرده‌اند و این هم تحت تاثیر موقعیت رابطه‌شان با مردم است.



مانی رهنما ▶ خواننده و آهنگساز

وقتی کلمه آواز بر زبان جاری می‌شود بی‌درنگ نام محمدرضا شجریان درخشان می‌گیرد. ایشان انسانی به تمام معنا با حنجره‌ای استثنایی هست که برای حنجره‌اش زحمات بسیاری کشیده است حاصل آن زحمات، نتایج فوق‌العاده شنیدنی است که در صدا و آثار ایشان متجلی شده است. من ایشان را بسیار دوست می‌دارم و همیشه برایشان آرزوی سلامتی و عمر پایدار دارم. امیدوارم که از نعمت وجودشان برای همیشه برخوردار باشیم.



جان عشاق

گلوی بیدار شهر شعر و شور و شعور



اکبر اکسیر

از موسیقی اصیل بدم می‌آمد از داد امان امان امان و پیش‌درآمد طولانی از شجریان و هر چه موسیقی مقامی بود، چه ترکی آذربایجانی چه فارسی دری. اصلا این جنس موسیقی با روح بازیگوش بی‌سواد من در سال‌های چهل و چهارهت سازگار نبود. غرق در آهنگ‌های لاله‌زاری بودم غرق در، دیم داد دیرام دام! بعد ارتقا پیدا کردم رسیدم به سیمین غائم و فرهاد و فردیون فروغی. هه ۵۰ سسیری شد؛ رسیدم به دهه ۶۰ از جلوی پاساژی می‌گذشتم صدایی ترمز پاهایم شد و مرا پرچ کرد به صدایی که آشوب کلمه و گلو بود؛ آمده‌ام که سسر برم نی شکتم شکر برم... تصنیف پرشور «دروصال» شجریان بود که مرا از لاله‌زار هیاهو کند و با واقعیت موسیقی اصیل و اصالت صدا آشنا کرد.

بعد به دنبال این صدا رفتم به سیلوش شجریان خوش‌نویس رسیدم به نستعلیق جادویی غزل حافظ و مولانا بعد به محمدرضا شجریان برگشتم به قاری قرآن و ده‌های سحری و تازه فهمیدم آن صدای

در خیل

جهان در صدای تو آبی‌ست



حمید جعفری

صدای تو را، رنگ و بوی صدای تو را، دوست دارم جهان در صدای تو آبی‌ست و زیر و بم هر چه از اصفهان در صدای تو آبی‌ست و هر سنت از دیرگاهان و هر بدعت از ناگهان در صدای تو آبی‌ست... این روزها که موسم پاییز و مهر بیاید «محمدرضا شجریان» ۷۱ساله می‌شود. مثل «محمدرضا شفیعی کدکنی»، «عباس کیارستمی»، «محمدرضا احمدی»، «محمود دولت‌آبادی»، «محمدهادی سیبانیلو» و خیلی ۷۱ساله‌های دیگر که با هنر زی می‌کنند. درست مثل «شجریان» با صدای هنرش؛ صدایی که از پشت پیداد می‌آید.

در جشن تولد ۷۰سالگی «محمدرضا شجریان»، همین یک سال پیش «همایون» و «مژگان شجریان» با آهنگسازای حمید درخشانی «تصنیف با نام «صدای تو را دوست دارم» به عنوان هدیه تولد «شجریان» پدر اجرا ضبط و منتشر کردند. تصنیف، این بود:

صدای تو را دوست دارم

صدای تو، از آن و از جاولان می‌سراید

صدای تو از لاله‌زاران که در یاد

می‌آید

نامی مترادف با کیفیت
همراه با ۲۴ ماه ضمانت

24 Months GUARANTEE

جادارترین یخچال فریزر با عرض ۸۴ سانتیمتر

Combiation KFCA 630 ELW

فروشگاه و نمایشگاه مرکز گن رووند خیابان امیرکبیر شرقی، پاساژ خلیج فارس، طبقه همکف، پلاک ۲۶
تلفن: ۰۲۱-۲۳۵۴۲۶۶۵-۸ ۲۳۵۴۶۰۹۷-۲۳۵۴۶۰۹۷
تلفن خدمات پس از فروش: ۱۶۰۳۰۲۵ ۲۳۵۴۶۰۹۷-۰۲۱-۰۲۱-۵۵۴۶۰۹۷

KENWOOD
CREATE MORE

پیشرو در خلاقیت

زخمه

شجریان بزرگ یادگار خراسان بزرگ



داریوش پیریانکان

از دیرباز سرزمین خراسان مردان بزرگی را که در تاریخ فرهنگی سیاسی نقش‌آفرین و موثر بوده‌اند در آغوش خود پرورانده است. مردانی که هر کدام از آنان در برش‌های تاریخی متفاوت تاثیرات ژرف و ماندگار متفاوتی را منشاء اثر بوده‌اند. البته ناگفته نماند که سخن از خراسان بزرگ است که امروزه خود به چند حوزه سیاسی و جغرافیایی با نام‌های مختلف و تکه‌پاره شده بخش‌بندی شده است. اما هنوز هم آثار عمیق فرهنگ ایرانی در رفتار و گفتار آنان پرتوافشانی می‌کند. از سمرقند گرفته تا پختیار و از هرات گرفته تا خوارزم که در روزگاری دیرین خاستگاه اصیل فرهنگ و تمدن اقوام ایرانی بوده است. میراث‌داران این سراغز فرهنگی و سیاسی هم مردانی چوَن رودکی، فردوسی، اسدی طوسی، دقیقی، ابوسلم خراسانی، اخوان ثالث، احمد شاملو و... امروزه روز شجریان بزرگ‌شجریان از مردانی است که تاریخ هر کشوری شاید هر یکی دو قرن یکبار فرزندی چون او بزاید. حدود صدواندی سال که از ثبت آثار استادان بنام عرصه موسیقی می‌گذرد، کمتر پهلوانی در این عرصه پهلو به پهلوی او می‌زند. او همه فن‌حریف است. خواننده‌ای است تیزهوش با صدایی تاثیرگذار، خواننده‌ای است ملی با نگاهی فرهنگی و کوشگر در مسایل اجتماعی. نگارنده از سال‌های بسیار دور با او دوستی و همکاری داشته به طوری که بخشی از این همکاری حدود ۱۵سال مداوم و بدون انقطاع ادامه داشته است و حاصل آن کنسرت‌های متعدد در کشورهای دیگر و همین‌طور در داخل ایران و ارایه آثار به صورت نوار کاست و سی‌دی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. اگر نبود دوستی بسیار نزدیک من و شجریان، گفته‌های بسیار از توانایی‌ها و نیک‌سیرتی‌ها و افتادگی‌ها و خاکی‌بودن‌های او می‌توانستم بگویم، افسوس بیم آن دارم که از طرف تنگ‌نظران به مجیزگویی متهم شوم که صداالینه هم شجریان و هم آنهایی که مرا از نزدیک می‌شناسند، چنین صفتی را در من سراغ ندارند. در مدت زمان بسیار طولانی همکاری با شجریان توانایی‌هایی چه در اجراهای صحنه‌ای و چه در ضبط‌های استودیویی از او دیدم‌ام که بازگویی آن به مقاله‌های بالابند نیاز دارد و در این یادداشت نمی‌کنجد و تنها به یک خاطره از این اجراها بسنده می‌کنم. سال ۶۷ بود، سال بزرگداشت حافظ، شب‌شب در تالار وحدت اجرا داشتیم که باید هرشب دو ساعت برنامه اجرا می‌شد. شب اول با استاد ذوالفقون بود، شب دوم با من و شب سوم با استاد محمد موسوی. این برنامه‌ها قرار بود کاملا به صورت بداهه انجام شود، از این قرار که با هم روی صحنه می‌رفتیم و بنا به اقتضای زمان و مکان من ساز را کوک می‌کردم و شروع به نواختن و براساس دستگاه انتخابی من، شجریان با تروق در دیوان حافظ غزل مناسب را انتخاب و شروع به خواندن می‌کرد. صبح روز اجرا که به دیدن شجریان رفتم با کمال تعجب دیدم که شدیدا دچار آئژین شده و حتی نمی‌توانست حرف بزند. گفتم شب چه کار می‌کنی؟ گفتم: به کاریش می‌کنم! شب وقتی روی صحنه رفتم با کمال حیرت و تعجب دیدم شروع به آوازخواندن کرد، چه آواری! بدون کوچک‌ترین گیر و رفتی، آن‌تراک که شد و پشت‌صحنه رفتم باز دیدم صدا، صدای سرماخورده‌ی است، و حرف زدن با زحمت! بخشی از این اجرا که در دستگاه شور بود در نوار «جان عشاق» به بازار عرضه شده و سندی است بر این گفته من.

صبر بسیار بیاید پدر پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

نوا

شجریان اقیانوس موسیقی



آیدا سرکیسیان

در خاموشی مهتاب، در خلوت از برای سکوت هوا به ارتعاش درآمد و آوای همنوایی سازها، فراز و فرودها با تسخیر شش دانگ حواس به اجرای متفاوت بی‌می‌ری. از حساسیت فوق‌العاده هنرمند در لحظه اجرا، پویایی و رایه خود، نیروی تخیل و تصور ما را هر لحظه بیدار و فعال نگه می‌دارد. زیربوزار خواننده وادارت می‌کند به سکون که میداد با حرکتی، لحظه‌ای را از دست بدهی و دقت کنی به آوای سازهایی که در پشت و زیر صدای خواننده و نوازنده اصلی می‌نوازند. تغریب آواز با نوای طرب‌انگیز که تو را به آوج می‌برد. برای مسیر در این اقیانوس موسیقی اصیل و ناب ایرانی، موسیقی قومی یک گنجایی و صبوری خاص می‌طلبد که شاید با تلاش عاشقانه به دست می‌آید، به تواضع و تعادل رهنمون می‌شود. خیلی دوست داشتم که شاملو در این سال‌ها به این پویایی هنرمندان ما در موسیقی گوش می‌سپرد و مطمئنم که به آرامش می‌رسید.

پایان شهریور / خانه بامداد